



## چالش‌ها و راهکارهای معلمان در برخورد با ناهنجاری‌های دانش‌آموزان

فرشته جمال پور

۱- کارشناسی حسابداری دانشگاه پیام نور واحد دهلران

fjamalpoor@gmail.com

## چکیده

قدرت هنجاری به توانایی معلم برای جلب احترام فراگیران بستگی دارد. وقتی آموزگاران به عنوان دانش‌آموز، قابل اعتماد، منصف و نگران دیده می‌شوند، فراگیران با سهولت بیشتری به درخواستهای آنها پاسخ می‌دهند. وقتی آموزگاران با فراگیران با احترام رفتار می‌کنند، فراگیران احساس تعلق یا عضویت روانی بیشتری در کلاس پیدا می‌کنند. هنگامی که یک محیط محترمانه و قابل اعتماد ایجاد شده باشد، فراگیران به سیستم مدیریتی مبتنی بر راهبردهای هنجاری پاسخ سازگارتر می‌دهند. چنین رابطه‌ای بین فراگیران و آموزگاران آنها برای تحقق مدیریت مؤثر ضروری است. قدرت هنجاری از این جهت جایگاهی دارد که نقش معلم به دلیل ماهیت خود درجه بالایی از نفوذ و اقتدار را به همراه دارد. اگر آموزگاران خود را طوری رفتار کنند که فراگیران احساس می‌کنند که آموزگاران باید رفتار کنند، فراگیران معمولاً به استفاده معلم از راهبردهای هنجاری پاسخ مثبت می‌دهند و آنچه معلمانشان می‌خواهند انجام می‌دهند، فقط به این دلیل که این آموزگاران هستند که درخواستها را مطرح می‌کنند. با توجه به اهمیت موضوع هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی مشکلات رفتاری فراگیران در کلاس درس و نحوه برخورد و تعامل با آن است. روش مطالعه در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای (مروری) بوده است برای این منظور از مطالب تحقیقات و مقاله‌های چاپ شده در این زمینه استفاده شده است.

کلمات کلیدی: انگیزه، کلاس درس، آموزگار، هنجار، فراگیران، مشکلات رفتاری.

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



## مقدمه

توانایی پاسخگویی به مشکلات رفتاری خاص کلاس به گونه ای که مشکلات به طور مؤثر مورد توجه قرار گیرند نشان دهنده یک مهارت خاص یا شاید به طور دقیق تر مجموعه ای از مهارت ها است که به توسعه و اصلاح در طول زمان نیاز دارد. آموزگاران مؤثر به عنوان تمرین کنندگان بازتابی باید به صورت جداگانه رفتارهای غیرقابل قبولی را که فراگیران نشان میدهند تجزیه و تحلیل کنند تا راههای قابل قبولی برای پرداختن به هر رفتار ایجاد کنند و دانشآموزانی را که به شیوههای مناسب کلاس درس رفتار نمیکند، مدیریت و برانگیزند. آموزگاران می توانند از طریق استفاده مؤثر از تکنیک های مدیریتی و انگیزشی که به طور منظم در تدریس خود به کار می گیرند، از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کنند. آموزگاران از راهبرهای متفاوتی برای واکنش نشان دادن به فراگیران استفاده می کنند. علاوه بر این از استراتژی های متفاوتی برای ارائه پاداش و تنبیه به فراگیران استفاده می کنند. استراتژیهای پاداشی، استراتژیهای رفتاری هستند که توسط معلم استفاده میشوند و بر اساس قدرت پاداشها هستند. پاداشها میتوانند به شکل امتیازات ویژه، زمان اضافی برای شرکت در فعالیتهای لذتبخش، یا پاداشهای ملموستر مانند آب نبات یا نشانه ها باشند. (Essex, 2022).

شناسایی پیامدهای رفتار نامطلوب در اوایل سال تحصیلی به فراگیران تأکید میکند که مسئولیت مهمی در قبال خودکنترلی خود (یعنی خودتنظیمی) بر عهده دارند و اگر این مسئولیت را جدی نگیرند، نتیجه نهایی را به آنها هشدار میدهد. شناسایی زود هنگام کمک می کند تا در فرآیند ارتباطی بین معلم و دانش آموزانش مشخص شود که چه چیزی غیرقابل قبول است و چه چیزی غیرقابل قبول است. در ایجاد این قوانین اساسی، معلم گام مهمی پیشگیرانه و پیشگیرانه در برخورد با مشکلات احتمالی مدیریت برداشته است (Emmer et al., 2012).

رفتارها بر توسعه محیطهای یادگیری کلاس درس تمرکز میکنند که در آن آموزگاران میتوانند عمدتاً بر یک سیستم مدیریت هنجاری تکیه کنند که معلم و دانشآموز با هم یک رابطه یادگیری مثبت را تشکیل میدهند که مبتنی بر اعتماد و احترام است. آنها همچنین نیاز معلم را به استفاده از شیوههای آموزشی مؤثر تقویت میکنند که فراگیران را متمرکز و درگیر در فعالیتهای یادگیری سازنده نگه میدارد و «زمانهای تعطیلی» را زمانی که بیشترین بدرفتاریها رخ میدهد کاهش میدهد.

## واکنش معلم به رفتار نادرست فراگیران

آموزگاران می توانند از طریق استفاده مؤثر از تکنیک های مدیریتی و انگیزشی که به طور منظم در تدریس خود به کار می گیرند، از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کنند. محققان تشخیص داده اند که مؤثرترین آموزگاران نسبت به معلمانی که به اندازه مؤثر در نظر گرفته نمی شوند، زمان کمتری را صرف رسیدگی به مشکلات رفتاری فراگیران می کنند (Ratcliff et al., 2012). وی همچنین در تحقیقات اولیه خود، رفتار آموزگاران مؤثر و ناکارآمد را به عنوان مدیران کلاس مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که تفاوت اصلی بین دو گروه از آموزگاران در نحوه برخورد آنها با رفتار مخرب نیست، بلکه در تمایل آنها برای شناسایی سریع و دقیق است. یک رفتار مشکل ساز و عمل به آن، یک گرایش کلیدی معلم کیفیت همسویی است. توانایی داشتن آگاهی مداوم از رویدادها در کل کلاس است و نه فقط یک منطقه از محیط. حتی با وجود توانایی نمایش این و سایر موارد کلیدی، این موقعیت تقریباً در هر کلاسی رخ می دهد که دانش آموز به شیوه ای نامطلوب عمل کند. رفتارهای نامطلوب ممکن است با نقض جزئی قوانین مانند بلند صحبت کردن یا منتظر نماندن دیگران برای پایان صحبت قبل از صحبت نشان داده شود. (Walker et al., 2023). یا، مشکل می تواند ماهیت جدی تری داشته باشد، مانند اینکه دانش آموز امنیت

# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



فراگیران دیگر را به خطر بیندازد یا کاری انجام دهد که مستقیماً در یادگیری همکلاسی‌ها اختلال ایجاد کند. بسیار مهم است که آموزگاران بلافاصله واکنش نشان دهند وقتی دانش آموز آشکارا از انتظارات برای رفتار صحیح کلاسی پیروی نمی‌کند. وقتی معلمی آگاه باشد که دانش آموزی قوانین حاکم بر رفتار دانش آموز را زیر پا می‌گذارد، اما برای اصلاح و خاموش کردن آن رفتار واکنش نشان نمی‌دهد، گفته می‌شود که معلم رفتار عقب نشینی از خود نشان می‌دهد. این رفتار می‌تواند منجر به یک چرخه معیوب شود که به رفتارهای ناخواسته دانش آموز در آینده کمک می‌کند). (Walker et al, ۲۰۲۳).

آموزگاران باید همیشه برای نیاز بالقوه برای تغییر (برخی ممکن است بگویند اصلاح) رفتار برخی از فراگیران و اصلاح دانش آموزانی که به برنامه‌های آموزشی، انگیزشی و مدیریتی آنها پاسخ نمی‌دهند، آماده باشند.

هر یک از سه رویکرد مختلف برای رهبری کلاس درس) یعنی مدیریت (می‌تواند توسط آموزگاران برای اصلاح رفتار فراگیران استفاده شود. تحت تأثیر کارهای قبلی روانشناسان اجتماعی مانند (Ratcliff et al, ۲۰۱۲) این موضع اتخاذ شده است که برای اثربخشی، آموزگاران باید نوعی قدرت اجتماعی یا رهبری را بر فراگیران در کلاس به دست آورند یا به طور دیگری به دست آورند. اگر معلم رهبری گروه و همه افراد در آن را حفظ نکند، رهبری توسط شخص دیگری، در این مورد یک یا چند دانش آموز به دست می‌آید.

احساس می‌شود که آموزگاران کلاس‌های درس خود را از طریق استفاده از یکی از سه راهبرد: هنجاری، پاداشی، یا اجباری. راهبردهای هنجاری، راهبردهای رفتاری هستند که توسط معلم در حفظ یک کلاس درس با مدیریت خوب استفاده میشوند که بر مبنای انجام کارهایی که به طور سنتی از آنها انتظار می‌رود همه درگیران هستند، زیرا هر فرد نقش مورد انتظار خود را میداند. از آموزگاران انتظار می‌رود که کارهای خاصی را از فراگیران راهنمایی کنند یا از آنها بخواهند، و از فراگیران انتظار می‌رود آنچه را که معلمانشان دستور می‌دهند یا از آنها می‌خواهند انجام دهند. استراتژیهای پاداشی، استراتژیهای رفتاری هستند که توسط معلم استفاده میشوند و بر اساس قدرت پاداشها هستند. پاداشها میتوانند به شکل امتیازات ویژه، زمان اضافی برای شرکت در فعالیتهای لذتبخش، یا پاداشهای ملموستر مانند آب نبات یا نشانها باشند. راهبردهای اجباری، راهبردهای رفتاری مورد استفاده معلم هستند که مبتنی بر قدرت تنبیه هستند. اگر فراگیران رفتار مناسبی نداشته باشند، تنبیه خواهند شد. برخی از مریبان بر این باورند که اتکای بیش از حد به راهبردهای اجباری ممکن است فراگیران را تا حدی دور کند که از فرآیند یادگیری کناره‌گیری کنند. حتی با وجود این نگرانی بالقوه، بسیاری از آموزگاران تلاش میکنند تا محیط یادگیری را از طریق استفاده از قدرت اجباری مدیریت کنند. با این حال، چنین استراتژی‌هایی به وضوح می‌توانند سود کوتاه مدت همراه با زیان بلند مدت ایجاد کنند (Essex, ۲۰۲۲).

با وجود این، بسیاری از مریبان با استفاده از رویکردهای پاداش، مدیریت و انگیزه را مورد انتقاد قرار می‌دهند و پیشنهاد می‌کنند که نباید از فراگیران انتظار یا انگیزه داشت که رفتار مناسب را فقط به منظور دریافت پاداش از خود نشان دهند.

مدیریت اجباری بر استفاده از درد یا ناراحتی جسمی یا روانی، از بین بردن وسایل یا امتیازات، یا تهدید هر یک از این اقدامات برای ترغیب (مثلاً ایجاد انگیزه) فراگیران برای توقف رفتارهای ناخواسته متکی است. یک نگرانی مهم در مورد استفاده از راهبردهای اجباری، ترس از این است که استفاده از آنها ممکن است تضاد فراگیران را افزایش دهد و منجر به بیگانگی فراگیران از آموزگاران و فرآیند یادگیری شود. از آنجایی که استراتژیهای اجباری بر جنبه‌های منفی رفتار دانش‌آموز تمرکز میکنند، مهم است که آموزگاران از استفاده از پیامدهایی که شخصیت دانش‌آموز را تحقیر، خجالت یا حمله میکند، اجتناب کنند. وقتی پیامدهایی برای رفتار نامطلوب داده می‌شود، آموزگاران باید بر

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



روی آن تمرکز کنند، رفتار نامطلوب، نه دانش آموز به عنوان یک فرد. آنچه در تلاش برای خاموش کردن رفتار ناخواسته دانش آموز باید مورد تأکید قرار گیرد این است که این رفتار ناخواسته است نه دانش آموز. کامنتهایی مانند «نمیدانم در خانه با چه چیزی رد میشوید، اما نمیتوانید این کار را در اتاق من انجام دهید، یا اینقدر ناپخته رفتار نکنید، میتواند به عنوان حمله به شخصیت دانشآموز یا والدین دانشآموز باشد. حملاتی از این قبیل میتواند منجر به صدمه و شرمساری شود که نتیجه نهایی آن فراگیران بیگانه، خشمگین و یا در غیر این صورت محرومیت از حق رای است. در برخی موارد، چنین حملاتی ممکن است باعث بیگانگی و عصبانیت والدین شود. اگر دانش آموزی کاری را انجام دهد که نامناسب تلقی می شود، معلم باید به سرعت با این رفتار نادرست و عواقب آن برخورد کند. شناسایی پیامدهای رفتار نامطلوب در اوایل سال تحصیلی به فراگیران تأکید میکند که مسئولیت مهمی در قبال خودکنترلی خود یعنی خودتنظیمی (بر عهده دارند و اگر این مسئولیت را جدی نگیرند، نتیجه نهایی را به آنها هشدار میدهد. شناسایی زود هنگام کمک می کند تا در فرآیند ارتباطی بین معلم و دانش آموزانش مشخص شود که چه چیزی غیرقابل قبول است و چه چیزی غیرقابل قبول است. در ایجاد این قوانین اساسی، معلم گام مهمی پیشگیرانه و پیشگیرانه در برخورد با مشکلات احتمالی مدیریت برداشته است. (Essex, 2022).

## معلم فعال

مشخص شدن فعال بودن در مقابل واکنش گرا بودن در تدریس، چیزهای زیادی در مورد نحوه برخورد معلم با انجام مسئولیت های خود نشان می دهد. معلم فعال معلمی است که این توانایی را دارد که بیشتر مشکلات مدیریتی را قبل از وقوع آنها "سر" کند و در صورت بروز مشکلات مدیریتی به گونه ای پاسخ دهد که زمینه را برای ادامه یادگیری در آینده فراهم کند. با توجه به اینکه هر از چند گاهی مواردی از رفتار نادرست فراگیران در همه کلاس ها وجود خواهد داشت که آموزگاران باید به آنها پاسخ دهند، مهم است که آموزگاران به طور مناسب بر روی هدف پشت هر گونه استفاده از قدرت خود تمرکز کنند. هدف اصلی معلم از واکنش به رفتار نادرست دانشآموز، تغییر رفتار دانشآموز به گونه های است که محیط مدرسه برای همه دانشآموزان، از جمله دانشآموزانی که رفتار نادرست از خود نشان میدهند، امن و مساعد باشد. هدف صرفاً واکنش به یک اختلال یا رفتار غیرقابل قبول نیست تا آن اختلال یا رفتار از بین برود. در واکنش به رفتارهای نادرست دانشآموز، تأکید معلم باید بر حذف رفتارهای غیرقابل قبول باشد تا فراگیران این رفتارها و همکلاسهایشان بیشترین بهره را از تجربیات تحصیلی خود ببرند. علاوه بر این، آموزگاران مؤثر پاسخ های خود را به رفتار نادرست فراگیران فرصتی می دانند که به فراگیران خود بیاموزند که رفتار مناسب، از جهاتی رفتار اجتماعی مناسب، یعنی رفتار اجتماعی طرفدار چیست و چگونه می توانند این رفتار را از خود نشان دهند. در این فرآیند، آنها همچنین آموزش می دهند و تقویت می کنند که کدام رفتارها نادرست، یعنی ضد اجتماعی تلقی می شوند. پاسخ آنها به مشکلات رفتاری دانش آموز به طور خاص بر روی رفتارهای نامطلوب دانش آموز متمرکز است و در عین حال از حملات شخصی به فراگیران اجتناب می کند. پاسخ های معلم که می تواند به عنوان حملات شخصی به فراگیران تعبیر شود، احتمال رفتار مخرب در آینده را افزایش می دهد. مهمتر از آن، چنین پاسخ هایی می تواند منجر به کاهش یادگیری فراگیران شود. معلمانی که تلاش خود را بر انگیزه دادن به فراگیران برای انجام بهتر تمرکز میکنند، در مقابل پلیسی کردن آنها برای عدم رفتار نامناسب، محیطهای یادگیری سازندهتر و روابط پر بارتر با فراگیران خود برقرار میکنند.

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



تعدادی از رفتارهای معلم از طریق تحقیقات آموزشی شناسایی شده است که با یک سیستم مدیریت رفتار و یک محیط یادگیری مرتبط است که فراگیران را تشویق می‌کند تا خود را به درستی رفتار کنند. رفتارها و سیستم نیز احتمال بدر رفتاری فراگیران را در آینده کاهش می‌دهد. رفتارهای زیر در استقرار یک سیستم مدیریت رفتاری موثر توصیه می‌شود.

۱. استانداردهای رفتاری را تنظیم کنید که مشابه استانداردهای تعیین شده در آیین نامه رفتار ساختمان باشد.
  ۲. به فراگیران بگویید که استانداردهای بالایی برای رفتار در کلاس وجود دارد و قوانین و پیامدهای رفتار آنها را به وضوح توضیح دهید.
  ۳. استانداردهایی داشته باشید که از تأثیرات فرهنگی بر رفتار آگاه باشند.
  ۴. مجموعه ای مکتوب از استانداردهای رفتاری را به فراگیران بدهید و استانداردها را به صورت دوره ای مرور کنید.
  ۵. در آغاز هر سال تحصیلی یا ترم، قوانین مشخص و مشخصی را وضع کنید.
  ۶. به فراگیران اجازه دهید تا در ایجاد قوانین و رویه ها در کلاس های ۴ تا ۱۲ کمک کنند.
  ۸. مجازات های انضباطی را به رفتارهای نامناسب فراگیران مرتبط کنید و از استفاده یا تهدید به استفاده از تنبیه بدنی خودداری کنید.
  ۹. بر آموزش رفتارهای مثبت و طرفدار اجتماعی تمرکز کنید، به ویژه زمانی که فراگیران به طور مداوم رفتارهای نامناسب را تکرار می‌کنند.
  ۱۲. برای جلوگیری از دست دادن زمان یادگیری و حفظ رفتار دانش آموز در حین انجام وظیفه، به سرعت دانش آموزانی را که مخل هستند متوقف کنید (یعنی عقب نشینی نکنید).
  ۱۱. بر رفتارهای نامناسب تمرکز کنید نه رفتارهای ناشایست یا شخصیت های گذشته دانش آموزان.
  ۱۲. مشکلات انضباطی خود را با ارجاع به مدیران فقط در موارد نادر رسیدگی کنید.
  ۱۳. فعالانه به دنبال روش ها و استراتژی های جدید برای بهبود مهارت های مدیریت رفتار فراگیران باشید.
- معلمانی که این رفتارها را از خود نشان می‌دهند، در رویکردهای خود به انگیزه فراگیران و مدیریت کلاس درس، فعال در نظر گرفته می‌شوند. به جای اینکه منتظر بمانند تا قبل از اقدام یا واکنشپذیری، اختلالی رخ دهد، از رفتارها و استراتژی‌هایی استفاده میکنند که به طور خاص برای ایجاد محیطی طراحی شده‌اند که احتمال وقوع رفتار نامناسب را در وهله اول کاهش دهد. بنابراین، فرصت های عقب نشینی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. (Hunt et al, ۲۰۲۹) هشت رفتاری را مورد بحث قرار داد که مشخصه معلمانی است که محیط هایی را ایجاد میکنند که برای ترویج رفتار مثبت دانش‌آموز و کاهش بدر رفتاری دانش‌آموز طراحی شده‌اند. معلم در نشان دادن این رفتارهای مطلوب:
۱. به طور کامل آماده می‌شود تا همه فراگیران با فعالیت های مناسب با میزان، سبک ها و توانایی های یادگیری فردی خود، به انجام وظیفه بپردازند.
  ۲. روال های کلاسی را ایجاد می‌کند که به فراگیران کمک می‌کند تا در زمان های غیر آموزشی که مشکلات رفتاری بیشتر است، بگذرند.
  ۳. با والدین ارتباط برقرار می‌کند تا یک سیستم پشتیبانی قوی برای کار با مشکلات مدیریتی خاص ایجاد کند.
  - ۴- در انجام وظایف و مسئولیت های خود رفتار حرفه ای داشته باشند.
  - ۵- رفتارهای نامناسب دانش‌آموز را تشخیص داده و با نادیده گرفتن رفتارهای بیاهمیت به سرعت با آنها برخورد میکند.
  ۲. هنگام اصلاح رفتار نامناسب دانش آموز، رفتار آرام و مطمئنی از خود نشان می‌دهد.

# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانوادہ و مدرسہ



۷. در صورت عدم پاسخ مثبت فراگیران دستورات را بلافاصله پیگیری می کند و

۸. به جای واکنش به مشکلات، بر پیشگیری از مشکلات تمرکز می کند.

این رفتارها بر توسعه محیطهای یادگیری کلاس درس تمرکز میکنند که در آن آموزگاران میتوانند عمدتاً بر یک سیستم مدیریت هنجاری تکیه کنند که معلم و دانشآموز با هم یک رابطه یادگیری مثبت را تشکیل میدهند که مبتنی بر اعتماد و احترام است. آنها همچنین نیاز معلم را به استفاده از شیوههای آموزشی مؤثر تقویت میکنند که فراگیران را متمرکز و درگیر در فعالیتهای یادگیرسازنده نگه میدارد و «زمانهای تعطیلی» را زمانی که بیشترین بدرفتاریها رخ میدهد کاهش میدهد (Emmer et al, ۲۰۱۲).

حفظ رفتار حرفه ای، نشان دادن آرامش و خونسردی با اعتماد به نفس، و واکنش فقط به رفتارهای نادرست و نه جزئی دانش آموزان، همه راه هایی برای آموزگاران برای جلب اعتماد و احترام فراگیران است. پیروی از پیامدهای مناسب زمانی که فراگیران به دستورالعمل ها پاسخ نمی دهند، یک رفتار ضروری است که توسط آموزگاران مؤثر برای ایجاد ثبات در مدیریت خود استفاده می شود. همچنین معلمانی که عقب نشینی می کنند و دانش آموزانی را که پاسخ مثبتی به درخواست های آنها نمی دهند نادیده می گیرند، احتمال مشکلات مدیریتی بیشتری را در آینده افزایش می دهند. نیاز به دانستن چگونگی جلوگیری از مشکلات شباهتی به نیاز حرفه معلمی برای تبدیل شدن به علم بیشتر از هنر دارد و آموزگاران نیاز خود را به دانستن اینکه چه چیزی به طور خاص و در چه موقعیتهایی کار میکند، را تشخیص دهند. برای تحقق این امر، آموزگاران باید تمایل و تعهد به تغییر داشته باشند. دانستن چگونگی جلوگیری از مشکلات مستلزم این است که مایل باشید و قادر باشید از اشتباهات گذشته و همچنین دستاوردها درس بگیرید و از سایر متخصصان کمک بگیرید و از آنها استفاده کنید. از اصطلاح پیشرفت کاری در اشاره به فرآیند پیشگیری از مشکلات قبل از شروع آنها به جای واکنش به مشکلات پس از وقوع آنها استفاده می شود. کار پیشرفته مستلزم آن است که آموزگاران اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری کنند تا درک بهتری از دانش آموزان، جامعه و مدرسه ایجاد کنند و تأثیر محتوایی که تدریس می شود بر رفتار دانش آموزانشان می گذارد (Gagne et al, ۲۰۲۵).

یکی دیگر از جنبه های مدیریت مؤثر که هنوز تا اینجا مورد بحث قرار نگرفته این است که معلمانی که مایلند مشکلات مدیریتی خود را به حداقل برسانند، توسعه خودکنترلی درونی در فراگیران را به عنوان هدف تعیین می کنند (Good and Brophy, ۲۰۲۸). فقط کافی نیست آموزگاران به مدیریت کلاس و فراگیران خود بسنده کنند. بخش عمدهای از فرهنگسازی مورد نیاز در هر مدرسه این است که فراگیران یاد بگیرند که چگونه در یک محیط حمایتکننده با دیگران زندگی و عملکرد کنند. بدون خودکنترلی، که جنبه ای از خودتنظیم بودن یادگیرنده است، حل تعارضات مختلفی که ممکن است در هر روز در زندگی آنها ایجاد شود برای فراگیران دشوار است.

روزهای اول سال تحصیلی یا شروع یک ترم برای معلم برای ایجاد سیستمی از قوانین و رویه ها برای مدیریت مؤثر کلاس بسیار مهم است. مطالعات تحقیقاتی مختلف مشخص کردهاند که یکی از ویژگیهای مهمی که آموزگاران مؤثر را به عنوان مدیران مشخص میکند این است که انتظارات خود را از رفتار دانشآموز زودتر ایجاد میکنند و پس از آن به طور مداوم آنها را تقویت میکنند توصیه میشود که آموزگاران از هفتههای اول سال تحصیلی استفاده کنند تا قوانین و رویههای خود را به وضوح به فراگیران منتقل کنند، نگرشها و عادات کاری فراگیران را رعایت کنند و آموزش را با سطح بالایی از انرژی و اشتیاق آغاز کنند. این کمک زیادی به ایجاد پایه ای می کند که آکادمی معلم بر آن استوار باشد برنامه پایه ای می تواند ساخته شود. چنین وضعی در کار با والدین برای اطمینان از رویکرد مثبت برای ایجاد مدیریت خوب کلاس درس در ابتدای سال تحصیلی نیز مورد نیاز است (Wong and Wong, ۲۰۲۹).

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



آموزگاران مؤثر خود را به عنوان رهبران در کلاس درس مطرح می‌کنند و در عین حال یک محیط یادگیری مبتنی بر نگرانی، اعتماد و احترام ایجاد می‌کنند. فراگیران سطح بالایی از بهره‌وری را حفظ میکنند، زیرا آنها به طور منظم در فعالیتهای یادگیری (یعنی نشان دادن رفتارهای حین تکلیف) متناسب با سبکهای یادگیری، علایق و تواناییهای خود درگیر هستند. فراگیران درک روشنی از قوانین و رویههای رفتار کلاسی و پیامدهایی که با شکستن قوانین یا عدم پیروی از رویهها همراه است، دارند. آنها مشاهده می‌کنند که معلم به سرعت و پیوسته اقدام می‌کند تا اطمینان حاصل شود که همه فراگیران از قوانین و رویه‌های تعیین شده پیروی می‌کنند، استانداردهای بالایی برای رفتار وجود دارد، و آنها باید مسئولیت رفتار خود را بر عهده بگیرند (Hunt et al, 2029).

معلمانی که آرزوی برآورده کردن این انتظارات را دارند و از این دستورالعملها پیروی میکنند، دانشآموزانی خواهند داشت که مرتباً خود را به شیوههای مناسب رفتار میکنند. همانطور که در این بحث مشخص شد، رفتار نادرست دانشآموز در کلاس درس میتواند نشانه‌های از تدریس ناکارآمد باشد که میتواند منجر به چرخهای از رفتار نادرست دانشآموز، به دنبال آن عقبنشینی معلم و بهدنبال آن، افزایش بدرفتاری دانشآموزی باشد که پتانسیل را به چالش میکشد. توانایی معلم برای به دست آوردن مجدد کنترل شود از آنجایی که آموزگاران کارآمد می‌پذیرند که غیرواقعی است که باور کنیم همه رفتارهای نادرست فراگیران را می‌توان ممنوع کرد و مشکلات ممکن است حتی در بهترین موقعیت‌های کلاسی به نظر برسد، در نتیجه مطالعه و برنامه ریزی قبلی آنها آماده است تا از عهده این موارد برآیند. مشکلات به سرعت با حداقل وقفه در فرآیند یادگیری پیش می‌روند.

## پرداختن به مشکلات خاص مدیریت کلاس

نقش معلم در انگیزش دانشآموز و مدیریت کلاس باید در چارچوب ایده‌ها و توصیه‌های ارائه‌شده مهم هستند. مولدترین محیطهای یادگیری، محیطهایی هستند که در آن سطوح بالای انگیزه و عدم وجود رفتارهای نادرست دانشآموز دیده میشود. آموزگاران تشویق می‌شوند به خاطر داشته باشند که رفتار نادرست دانش آموز معمولاً نشانه مشکلات دیگری است که در کلاس درس یا شاید در زندگی شخصی دانش آموز رخ می‌دهد. معلم در عین حال که باید به رفتار نادرست رسیدگی کند، باید با شناسایی منشأ بدرفتاری و انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از بروز مشکل در آینده، فعال باشد.

## رفتار غیر قابل قبول در کلاس

رفتار غیر قابل قبول چیست؟ برای آموزگاران و فراگیران مهم است که پاسخ این سؤال را به وضوح در ذهن داشته باشند زیرا آموزگاران مؤثر فقط به هر رفتار دانش آموزی که ظاهر می‌شود واکنش نشان نمی‌دهند.

نامطلوب چهار تعریف زیر را از رفتار غیرقابل قبول در نظر بگیرید. رفتارهای غیرقابل قبول رفتارهایی هستند که:

۱. اختلال در یادگیری یک یا چند دانش آموز،
۲. تهدید امنیت یک یا چند دانش آموز،
۳. نقض مستقیم قوانین مکتوب در سطح مدرسه یا کلاس درس هستند.

# دوین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



۴. نقض آداب اجتماعی پذیرفته شده (مانند استفاده از ناسزا، لمس نامناسب و غیره) هستند.

علاوه بر این چهار تعریف، آموزگاران اغلب قوانینی را برای رفتار فراگیران مختص کلاسهای درس فردی خود به‌عنوان بخشی از برنامه‌های مدیریتی و انضباطی خود شناسایی میکنند. آنچه در کلاس یک معلم غیرقابل قبول است ممکن است در کلاس معلم دیگر قابل قبول باشد، در حالی که برخی رفتارها همیشه در هر کلاسی غیرقابل قبول است. به عنوان مثال، برخی از آموزگاران ممکن است این انتظار را داشته باشند که فراگیران فقط پس از اینکه ابتدا دست خود را بالا بردند و شناخته شدند صحبت کنند، در حالی که آموزگاران دیگر ممکن است بحث بازتر را تشویق کنند و در واقع انتظار و تمایل مشارکت خودجوش را از فراگیران خود داشته باشند. با این حال، اگر قوانینی در سرتاسر مدرسه برای برخی رفتارها وجود داشته باشد، از جمله اینکه نباید در کلاسهای درس آب نبات خورده شود یا کلاهی در داخل ساختمان مدرسه استفاده نشود، از همه آموزگاران انتظار می‌رود که این قوانین را اجرا کنند (Gagne et al, 2225).

تعداد قوانینی که یک معلم دارد بر میزان زمانی که معلم صرف نظارت و مدیریت رفتار دانش‌آموز میکند تأثیر می‌گذارد. هرچه قوانین بیشتری وجود داشته باشد، زمان بیشتری صرف مشاهده رعایت آنها می‌شود. توصیه می‌شود که آموزگاران فقط قوانینی را داشته باشند که مهمترین آنها در نظر گرفته می‌شود و به طور خاص به ترویج برنامه آموزشی کلاس مربوط می‌شود. هر چه تعداد قوانین کمتر باشد، بهتر است از نظر بسیاری از آموزگاران بیش از پنج یا شش قانون حداکثر در نظر گرفته شود. تعداد بیشتری از قوانین نه تنها مشکلات نظارتی بیشتری را برای آموزگاران ایجاد میکنند، بلکه مشکلات بیشتری را برای فراگیران در تلاش برای به خاطر سپردن آنها و عواقبی که در صورت عدم رعایت آنها رخ خواهد داد، ایجاد میکنند.

بسیاری از نویسندگان انواع مختلفی از رفتارهای نادرست فراگیران را که در کلاسهای درس مشاهده میشود شناسایی و دستهبندی کرده‌اند و در مورد راهبردهایی که آموزگاران میتوانند در مواجهه با آنها استفاده کنند، پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند. درک این نکته مهم است که رفتار نادرست دانش‌آموز باید تحلیل شود و سپس به شیوه‌های موقعیتی مورد توجه قرار گیرد، زیرا چنین رفتارهایی زمینهای هستند. آنچه ممکن است باعث رفتار یک دانش‌آموز شود، ممکن است در دانش آموز دیگری نباشد. آنچه در یک موقعیت ممکن است درمان مؤثری برای یک مشکل باشد، ممکن است در موقعیت دیگر به همان اندازه مؤثر باشد یا نباشد. رفتارهای نادرستی که فراگیران به طور مکرر از خود نشان می‌دهند، به عنوان رفتارهای نادرست مزمن نامیده می‌شوند و آموزگاران باید اقداماتی را انجام دهند تا حضور آنها در کلاس را به حداقل برسانند. حتی با این اطلاعات، به آموزگاران توصیه می‌شود که هر موقعیت را به طور مستقل تجزیه و تحلیل و ارزیابی کنند و سپس مناسب‌ترین راه حل را اعمال کنند. رفتارهایی که در اینجا گنجانده شده عبارتند از: بی توجهی، صحبت‌های مخرب، توجه طلبی، اجتناب مزمن از کار، بی صداقتی، بی نظمی، سرکشی و پرخاشگری (Alderman, 2013).

## بی توجهی

رفتارهای بی توجهی صرفاً به این صورت تعریف می‌شود که فراگیران هنگام اجرای آموزش یا زمانی که انتظار شرکت در یک فعالیت آموزشی وجود دارد (یعنی رفتار حین انجام وظیفه از خود نشان نمی‌دهند) توجه نمی‌کنند. رفتارهای رایج بی توجهی که فراگیران از خود نشان می‌دهند عبارتند از خیال پردازی، خیره شدن به فضا، انجام کارهای نامربوط، دودل کردن، یا حتی بازی با برخی شی‌ها، مانند ماشین حساب، اسباب بازی، خط کش، در طول زمان آموزشی. بی توجهی اغلب به عنوان یکی از کم‌شدت‌ترین مشکلات مدیریتی تلقی می‌شود، معمولاً به این دلیل که دانش آموز بی توجه تمایل به ایجاد مزاحمت برای سایر فراگیران در کلاس ندارد. با این حال، این می‌تواند یک مشکل جدی باشد زیرا بی توجهی یک رفتار خارج از وظیفه است، و نشان داده شده است که رفتار خارج از وظیفه با آموزش





ناکارآمد مرتبط است. در صورت عدم توجه، در صورتی که بی توجهی برای معلم قابل قبول باشد، می توان بی توجهی یک دانش آموز را توسط سایر فراگیران در کلاس پذیرفت (Hunt et al., ۲۰۲۹).

### کلاس درس با مشکلات بی توجهی

اگر درس معلمی به خوبی پیش می رود، به معلمی که بیست و پنج دانش آموز در یک کلاس درس دارد توصیه می شود که فرآیند آموزشی را که با بیست و چهار دانش آموز مؤثر است برای یک دانش آموز که ممکن است بی توجه باشد، قطع نکند. در حالی که مهم است که همه فراگیران در درس معلم شرکت کنند، اما راههای ظرفیت برای رسیدگی مؤثر به مشکل بیتوجهی دانشآموز وجود دارد تا ایجاد اختلال در یادگیری بقیه فراگیران در کلاس برای حذف رفتار بیتوجهی یک یا یک دانشآموز. حتی چند دانش آموز نزدیکتر شدن به دانشآموز بیتوجه معمولاً به بازگرداندن توجه دانشآموز به تکلیف یادگیری یا آنچه معلم میگوید کمک میکند. این استفاده از کنترل مجاورت به معلم این امکان را می دهد که رفتار دانش آموز را بدون نیاز به گفتن یک کلمه اصلاح کند. وقتی آموزگاران از نظر فیزیکی به فراگیران نزدیک هستند، احتمال بدررفتاری فراگیران کاهش می یابد (Hunt et al., ۲۰۲۹).

آموزگاران می توانند چندین کار را برای جلوگیری از بی توجهی فراگیران انجام دهند و اولین قدم ارزیابی آرایش فیزیکی کلاس است .

محققان سالها پیش ثابت کردند که دانشآموزانی که در بخشهای خاصی از کلاس درس مینشینند کمتر از سایر فراگیران توجه معلم را به خود جلب میکنند و اگر اینقدر تمایل داشته باشند، احتمالاً بیتوجه خواهند بود (Alderman, ۲۰۱۳). توصیه میشود ترتیب صندلیها به گونهای تنظیم شود که دانشآموزانی که بیشتر به بیتوجهی تمایل دارند تا حد امکان نزدیک معلم بنشینند. دورترین گوشه های کلاس از معلم مناطقی هستند که برای فراگیران مستعد بی توجهی باید از آنها اجتناب کرد. فاصله بین دانش آموز و معلم یک متغیر مهم در تعیین احتمال بی توجهی دانش آموز است.

یکی دیگر از عوامل فیزیکی مهم مؤثر بر بی توجهی فاصله است. دانش آموزانی که خیلی نزدیک به یکدیگر می نشینند به طور خودکار فرصت بیشتری برای حواس پرتی دارند. زمانی که فراگیران پشت میز می نشینند، باید فضای کافی در نظر گرفته شود تا هر دانش آموز فضای کاری راحت داشته باشد که به محوطه سایر فراگیران تجاوز نکند. زمانی که فضایی دور از محل کار فوری دانش آموز برای نگهداری کتاب ها و لوازم اضافی که می تواند حواس پرتی را ایجاد کند، بهتر است. فقدان فضای کافی و راحتی احتمال حواس پرتی و بی توجهی را افزایش می دهد.

دمای اتاق یکی دیگر از عوامل فیزیکی است که بر توجه تأثیر می گذارد. در حالی که سطح راحتی از نظر دما از فردی به فرد دیگر متفاوت است، به طور کلی بهتر است دمای اتاق کمی خنک باشد تا گرم. اگر دمای اتاق خیلی گرم شود، فعالیت ممکن است کند شود و برخی از فراگیران خواب آلود شوند (Walker et al., ۲۰۲۳).

آخرین عامل فیزیکی مؤثر بر بی توجهی، وجود عوامل حواس پرتی در کلاس است. اکثر فراگیران دبستانی که کنار پنجره های مشرف به زمین بازی نشستند، تقریباً حواسشان پرت میشود. به همین ترتیب، بسیاری از فراگیران در سطح متوسطه که در کنار دری باز منتهی به راهروی شلوغ مینشینند، ممکن است تمرکز خود را بر درس معلم از دست بدهند. اگرچه برخی از عوامل حواس پرتی وجود دارد که آموزگاران کنترل چندانی بر آنها ندارند (مانند کارگران ساختمانی، اولین برف سال، شروع رویدادهای مهم و غیره)، اما باید تا حد امکان

# دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه



عوامل حواس پرتی را حذف کرد یا حداقل به حداقل رساند. سر کار فراتر از عوامل فیزیکی، آموزش خود معلم می تواند عامل مهمی بر توجه فراگیران باشد. بی توجهی دانش آموز زمانی افزایش می یابد که آموزش معلم فاقد هیجان و اشتیاق باشد. اگرچه برخی ممکن است بگویند که آموزگاران نمیتوانند در هر دقیقه از روز هیجانانگیز باشند، اما وقتی فراگیران بیتوجه هستند یا نوعی رفتار ناخواسته دیگر از خود نشان میدهند، این تسلی کمی است. آموزش هایی که محرک نیستند ممکن است نشان دهنده آمادگی ناکافی معلم در آمادگی همزمان برای آموزش، انگیزه و مدیریت باشد. آموزگاران مؤثر مشتاق و اغلب متحرک هستند. آنها وقتی دروس خود را برنامه ریزی می کنند به طور جداگانه در مورد فراگیران خود فکر می کنند که چگونه یک فعالیت خاص فراگیران را به مرکز فرآیند آموزشی می کشاند یا آنها را در حاشیه قرار می دهد. معلمانی که فراگیران بیتوجهی دارند معمولاً با انجام کارهای مشابه، نداشتن خودانگیزگی و هیجان، تدریس موضوعاتی که فراگیران برایشان اهمیت یا معنی کمی دارد یا تسلط آنها برایشان دشوار است، و عدم جذب دانشآموز مشخص میشوند. فعالانه در فرآیند یادگیری آموزگاران تشویق میشوند تا از انواع استراتژیهای آموزشی مختلف استفاده کنند، محرکها را برای تشویق علاقه فراگیران تغییر دهند، و از ارائه های چندرسانه ای و فعالیتهای عملی برای افزودن هیجان به آموزش خود استفاده کنند (Jones and Jones, ۲۰۱۳).

**بحث و نتیجه گیری** راهبردهایی را برای پاسخگویی به انواع خاصی از رفتارهای نادرست فراگیران توصیه می شود. این توصیه ها نقش معلم را در ایجاد یک سیستم مدیریت قوی تقویت می کند و شامل توجه ویژه معلم به ملاحظات شخصی، آموزشی و محیطی خاص می شود. همانطور که در سایر زمینههای متن وجود داشته است، بر نیاز معلم به فعال بودن و برنامه ریزی مناسب در برخورد با موضوعات انگیزش دانشآموز، مدیریت کلاس و آموزش و توانایی رسیدگی به مشکلات در هنگام بروز آنها تأکید شد. انواع رفتارهای نادرست دانشآموز مورد توجه بوده است از جمله معروفترین آنها بی توجهی است، که در به چالش کشیدن توانایی معلم برای آموزش مؤثر به فراگیران و مدیریت محیط یادگیری رایج و جدی هستند. هر یک از این رفتارهای نادرست تهدیدی برای آموزگاران در انجام مسئولیت های آموزشی و حفظ نقش خود به عنوان رهبر کلاس درس است اطلاعات ارائه شده، رفتارهای نادرست را تعریف کرده و سپس در مورد راه های ممکن برای پاسخگویی به آنها راهنمایی می کند.

## منابع

۱. Alderman, M. K. (2213). Motivation for achievement: Possibilities for teaching and learning. Routledge
۲. Emmer, E. T., & Evertson, C. M. (2212). Classroom management for middle and high school teachers. Pearson.
۳. Essex, N. L. (2222). Classroom Harassment: The Principal's Liability. *Principal*, 79(4), 52-55.
۴. Gagne, R. M., Wager, W. W., Golas, K. C., Keller, J. M., & Russell, J. D. (2225). Principles of instructional design 5th edition. Thomson Wadsworth: Canada.
۵. Good, T., c, J. (2228). Looking in classrooms 12th ed.
۶. Hunt, G., Wiseman, D. G., & Touzel, T. J. (۲۲۲۹). Effective teaching: preparation and implementation. Charles C Thomas Publisher.
۷. Jones, V. F., & Jones, L. S. (2224). Comprehensive classroom management: Creating communities of support and solving problems. Boston: Pearson/Allyn and Bacon.
۸. Ratcliff, N. J., Jones, C. R., Costner, R. H., Knight, C., Disney, G., Savage-Davis, E., ... & Hunt, G. H. (2212). No need to wait for Superman: A case study of one unique high school. *Journal for the Education of the Gifted*, ۳۵(۴), ۳۹۱-۴۱۱.
۹. Walker, H. M., Ramsey, E., & Gresham, F. M. (2223). Heading off disruptive behavior: How early intervention can reduce defiant behavior—and win back teaching time. *American Educator*, 22(4), 2-45 .
۱۰. Wong, H. K., & Wong, R. T. (۲۲۲۹). The first days of school: How to be an effective teacher. Harry K. Wong Publications, 12(81), 87-122.

